

# کد

## ضمیمه کار شماره ۱۷

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### دهها هزار نفر خاطره شهدای فدائی خلق را گرامی داشتند



گوشه‌ای از اجتماع پرشکوهِ گرامی داشت شهدای فدائی خلق، در روز جمعه هفتم تیرماه در دانشگاه تهران کسسه مبارزاتی امان و خوسن زینندگان راستین خلق را ارج نهاد.

### قدرت شوراهای دهقانی فقط در اتحاد زحمتکشان روستاست

کشاورزان محروم و زحمتکش میهنمان در طول زندگی سراسر رخ حسود همیشه تحت شدیدترین استعمار و وحشانه مناسبات ارباب رعیتی قرار داشته‌اند. فنودالها و زمینداران بزرگ و روستایی عناصر پارتی‌بازی همه حائسه دولتیهای مرکزی هیچگاه از هیچ تجاوزی در حوضی دهقانانی چیز فروگذار نکردند. و سه این ترتیب کشاورزان محروم قدرتی را بر تروپالان از قدرت اربابان و زمینداران نمی شناختند و هرگاه خانشان به لیب می رسید و در مقابل قدرت آنان فرار می گرفتند، توسط عوامل و نوکران ارباب و بانوسط ارباب سرکوب رژیم (ارنشن: زاندار می و ساواک) به شدیدترین وحشی سرکوب می شدند. بارها و بارها روستائیان شاهد بوده‌اند که زمینداران با عوامل و نوکران آنان دستور حبس و شکنجه دهقانان را داده‌اند و با مخفیانه کمر به قتل زحمتکشان بسته‌اند. البته در این رابطه تحفیر و توهین سنت به روستائیان عملی و عادی و طبیعی شده بود. اما روابط ارباب و رعیتی یعنی مناسبات فئودالیستی در راه توسعه و بهبود هر چه بیشتر امیربالیسم و سرمایه داران وابسته داخلی شان به شمار می رفت. از همین رو برای ایجاد نیروی کار بیشتر در کشور صنایع وابسته امیربالیستی و کسرس شدن این صنایع از مصرف در سطح روستاها و صنایع کوچکتری از برور و صنایع روستائیان در روستاها به نوصوبانگه امیربالیسم امریکا طرح اصلاحات ارضی فرمائی در سطح روستاها اجراء آمد. البته می دانیم حاصل آن جبری حرعارت همه حائسه ترور و سائسی زحمتکشان و بی خامی و سرگردانی اوسود. در ابتدا کشاورزان با آگاه آمدن بادی به این دسته امیربالیستی سخته بود و دولتی با کدس چند سال بعد بهای عاریگانه امیربالیسم امریکا و سرمایه داران و زمینداران وابسته به آن برای روستائیان زحمتکش روستاها عیب زمینهای روستائیان و تجاوز شد حال و مال آنان از راههای گوناگون باعث شد که پس از تمام حوس خلق، کشاورزان محروم مبین به هزاره بر علیه ورور گویان و زمینداران بزرگ که طی چند سال با ارباب و شهید روستایی آنان را از جنگشان در آورده بودند و آنان را مورد بهره‌کشی های بیرحمانه قرار داده بودند بپردارند. آنان دریافتند که دیگر می ناست بر سر سوت خوش حاکم باسد و حقوق باعمال شده شان را احسک و دیدان ارضایی نارسانند.

بکاردیگر آنجا که به آزمانهای اغلاسی طیفه کارگر و زحمتکشان وفادارند، بادی پرچمداران حشش نویں اغلاسی را که در راه آرمانهای طیفه کارگر به شهادت رسیده‌اند، گرامی داشتند. جمعه هفتم تیرماه روز تجدید پیمان آبهائی بود که می خواهند پرچم پرافتخار و خونین زحمتکشان فدائی، با محوکامل سلطه امیربالیسم و برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان بر افراشته بماند. بسیاری از طرف خلقها، سازمانها، گروهها، اقلیت ها، کانونها و موسسات مختلف خواننده شد و همگی با تحلییل از زحمتکشان شهیدی که سازش ناپذیر و قاطع در راه مبارزه با امیربالیسم و ارتجاع به شهادت رسیده‌اند، به ضرورت ادامه انقلاب و راهی که این پیشگامان آغازگرش بودند تاکید نمودند.

سازمان چریکهای فدائی خلق طی پیامی خطاب به "خلق قهرمان ایران" شهادت و تلاش اغلاسی رفقای همرز م خوش را گرامی داشت و آن را مظهر اراده اغلاسی و تلاش خستگی ناپذیر خلقهای ستمدیده میهنمان دانست. در این پیام آمده است:

... ما امروز بادی رفقای را گرامی می داریم که فدائی بودند و فدائی را در راه آرمان طیفه کارگر جان باختند. سازمان ادامه دهندگان راه شهدای هشت تیر، ضمن اعلام پاره‌ای از مواضع سیاسی و ایدئولوژیک خویش در جهت تحقق اهداف کنونی جنبش و مبارکسیت - لنینیستهار به تلاش بیشتر در راه ایجاد وحدت درونی و پیوند سیاسی - تشکیلاتی، با طبقه کارگر

**توضیح درباره کار شماره ۱۷**

باپوش از خوانندگان:

در کار شماره ۱۷، تیترو مقاله صفحه ۱۱ - روی بونسم و سوسپال امیربالیسم اشتباه‌های یکدیگر چاپ شده است.

**رفقا و هموطنان مبارز**

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به کمک مالی نیاز دارد

کمک هایتان را می توانید به حساب جاری شماره ۳۲۰۹۸

بانک ملی شعبه دانشگاه واریز نموده و یا به کمیته مالی

ستاد مرکزی تهران، تحویل دهید.

امور مالی سازمان

**ما حمله عناصر مرتجع را به گردهمایی  
جبهه دمکراتیک ملی محکوم می‌کنیم**

روز جمعه اول تیرماه، جبهه دمکراتیک ملی ایران به منظور اعلام نظر درباره قانون اساسی و تشکیل مجلس موسان، در زمین چین دانشگاه تهران گردهمایی برپا کرده بود. این گردهمایی با حمله عناصر ارتجاعی و ناآگاه به شرکت کنندگان به هم خورد.

ماهیت همه کسانی که تحت پوشش مذهب و شعارهای مذهبی دست به چنین حملات بی شرمه‌ای می‌زنند، برهنگان آشکار است. مسئله دیگر این است که مقامات مسئول دولتی کمیته‌ها، پاسداران، شهرتانی با علم و اطلاع از عمل این عناصر کوچکترین اقدامی برای جلوگیری از حرکات ایشان انجام ندادند. در حدود دست این عناصر را کاملاً باز گذاشته‌اند. طرف ماههای اخیر مردم مبین ما بارها تنفرو از جزار خود را از این اعمال ضد دمکراتیک گروههای فشار که مورد حمایت مقامات مسئول هستند، ابراز داشته‌اند و محازات مسبب این واقعه را خواستار شده‌اند. ما این حملات و اقدامات را که هر روز در سراسر کشور بدست عناصر ارتجاعی و تحریک شده و ناآگاه انجام می‌گیرد تحت هر پوششی و هر مستسکی، شدیداً محکوم ساخته و جنبش اعمالی را تنها نفع‌آبادی امیربالیسم و سرمایه داری وابسته می‌دانیم

# مستحکم باد وحدت کارگران، دهقانان و زحمتکشان

کارگران شرکت فریم

خواستار برکناری

مدیر عامل توطئه گر شدند

مازندران - شرکت صنایع فریم در فرسنگد، یکی از دهکده‌های منطقه "تفافت" در ۲۴ کیلومتری پل سفید مازندران واقع شده است. در این کارخانه حدود ۵۵۰ نفر کار می‌کنند. این کارخانه وابسته به دولت است اما کارگران آن رسمی نیستند. کارگران در هنگام قیام به فکر بدست آوردن حقوق جعه خود افتادند و تقاضای حق مسکن کردند که "عابدی" یکی از اعضای هیئت مدیره با آنان مخالفت کرد. ولی کارگران با یکبار چکی و اتحاد توانستند توطئه این عامل ضد کارگر را خنثی کنند و موفق به دریافت حق مسکن شوند. بعد از این جریان کارگران خواستار اخراج عابدی شدند ولی این خواست آنها عملی نشد و عابدی با سر می‌تمام با صدور بخشنامه‌ای حق مسکن ماهی کارگران را که مبلغ ۵۰۰ تومان بود به ۲۴۰ تومان تقلیل داد و به همین علت کارگران با صدور قطعنامه زیر دست به

کارگران ایران دو چرخ

عامل کارفرما را از شور اخراج کردند

قزوین - کارگران کارخانه ایران دو چرخ واقع در قزوین با مطرح کردن شعار "دست عوامل کارفرما را از شور اهاکوتاه کم" تصمیم به تصفیه شور و اخراج یکی از اعضا، شورا که ماهیت ضد کارگری دارد، گرفتند. این شخص با عواقم فریبی موفق شده بود توجیه کارگران را جلب کرده و معنویان معاند در دوسم شورای کارخانه انتخاب شود. او که نمایندگی کارگران را به عهده داشت در عمل با حوس حد منتهی در مقابل کارفرما علیه منافع کارگران عمل کرده و هنگامی که برای تقسیم خانه‌های مسکونی حالی بین کارگران جلسه‌ای تشکیل شد بود به تقسیم این خانه‌ها اعتراض کرد. سایر اعضا، شوراییکه موافق طرفداری و برای منافع کارفرما شده بودند خواستار

خواسته‌های

کارگران ایران سرعت

تهران - دوسم نخس کارگران و کارمندان شرکت ایران سرعت از تاریخ ۲۳ خرداد ۵۸ در محل دفتر شرکت آغاز شد. کارکنان شرکت مزبور برای مزیای حیوسی از جمله حق مسکن، حواریار، بیمه امانت کاری، نخس در محل کارگاه واقع در حاده ساوه با دستگیری کاشانی مدیر عامل شرکت به عنوان اعتراض و رجوع به وزارت کارنویانستند خواسته‌های حیوسی را بدست آوردند. بدین منظور کارگران جمعا به دفتر شرکت آمدند تا بنویسند بایگیری مداوم تر در تهران خواسته‌های خود را بدست آورند. شرکت ایران سرعت هم اکنون تعداد معتناسبی ماشین در اختیار دارد و عمل کارگران، صافکاری- نقاشی و بنجر - گری می باشد که غالبا سه تا چهار سال سابقه خدمت داشته و در بدترین شرایط محیط کار به سر می برند. با مراجعات مکرر کارگران سه وزارت کار و کشته، روز شنبه (۵۸/۴/۲) نماینده کارگران به دادگاه انقلاب اسلامی رفتند تا در مورد خواسته‌های مزبور مذاکراتی به عمل آورند.

اعتراض به عوارض شهرداری

قم - ۵۰ هزار آرنندگان کمبریسی‌های قم که از ۱۸۰ کیلومتری این شهرش و ماسه می آورند به تصمیم شهرداری مبنی بر دریافت عوارض اعتراض کردند. این آرنندگان ضمن تماس با مسئولان شهرداری گفتند مادر زمان رژیم گذشته عوارض نمی دادند و نتعجب آوراست که پس از انقلاب می خواهند از ما عوارض بگیرند. یکی از آرنندگان گفت: چهار ما مور مسلح برای گرفتن عوارض مانع کار ما شدند و وقتی ما مقاومت کردیم شروع به تراندازی هوایی کردند.

تحصن کارگران شرکت

اس - پی - باتینیول

روز شنبه ۲ تیر ۸۰ هزار کارگران شرکت اس - پی - باتینیول مارفاکتو پیمانکار شرکت نفت - برای رسیدن به خواسته‌های صنفی خود در دفتر مرکزی شرکت در تهران متحصن شدند. این عده خواستار بازگشت تمام کارگران به سرکار و دریافت کلیه حقوق ها و مزایای عفت - افتاده خود هستند. آنها اعلام کردند که رسیدن به خواسته‌هایشان منحصرا داسه خواهند داد. یکی از نمایندگان کارگران متحصن در این باره گفت: در پی متوقف شدن فعالیت‌های شرکت، کارگران نیز بدون دریافت حق و حقوق قانونی آرسوی کارفرما اخراج شدند. وی اضافه کرد: ما اکنون سه ماه است که به دنبال خواسته‌های خود هستیم و تاکنون نخس جلسه با نمایندگان کارفرما در اداره کار داشته ایم که نتیجه‌ای نداشته است. ما تقاضا کردیم این پرونده راه دادستانی انقلاب ارجاع کنند، اما تا این لحظه به ما جوابی داده نشده است. نماینده کارگران افزود: "کارفرمای این شرکت فرانسوی است و با اینکه کمتهی شماره ۳ گده در جریان کار ما قرار دارد، خواسته‌های ما را به حق و طبق قانون کار دانسته است، ولی کارفرما باز آورده کردن خواسته‌های ما شانه خالی می کند و می گوید قانون کار شعا به دردمین نمی خورد. از طرفی عوامل فرانسوی که در شرکت زیاد هستند هر کدام به نوعی در کار ما مداخله و کار شکنی می کنند.

خواسته‌های

کارگران ریسندگی

سر آسیاب فرسنگی

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سر آسیاب فرسنگی خواسته‌های خود را به شرح اعلام کرده‌اند: ۱- ساعت کار در روز ۸- ۲- ساعت کار در هفته ۴۰- ۳- افزایش دستمزد ۴- ایجاد ترک تعاونی و تلف - سرویس ۵- سرکار شدن کارفرما. کارفرما تاکنون به دو مورد از خواسته‌های دیگر کارگران یعنی پرداخت سه ماهه حقوق عفت افتاده و عیدی سال گذشته عمل کرده تا عدم رسیدگی به خواسته‌های قانونی کارگران را موجه بنان دهد. کارفرما در مورد نخس ۸ ساعت کار روزانه و تعطیل کار در روزهای تعطیلی رای گیری به عمل آورد و در حالی بود که وی میلا عده‌ای از کارگران با آگاه راه ده ساعت کار در روز و در روز تعطیل در ماه راضی کرده بود. کارگران ضمن اعتراض به این شیوه غیر انسانی خواهان احسرای همه خواسته‌های خود هستند.

تشکیل شورای کوره پزخانه

در مهاباد

مهاباد - کارگران کوره پزخانه پاشانی شورای خود را انتخاب کردند و به جای نماینده فرمایشی سابق به نام "رحمان کاکه رشی" که عامل کارفرما است، مسئولیت امور کارگران را به عهده شورا گذاشتند. کارگران در ساسه‌ای خواهان افزایش حقوق و فراهم آوردن امکانات رفاهی و بهداشتی شدند.

تهران - کارگران کارخانه لوجیس

که بیشتر زن هستند ارفیل ارقام بهمین تاکنون به سرکار فرسته اند. نمایندگان کارگران تاکنون چند جلسه با نماینده وزارت کار و کارفرما داشته‌اند ولی خواسته‌های کارگران مورد توجه فرسرای نگرفته است. کارگران خواهان بازگشت نه کار و پرداخت حقوق ماههای گذشته خود هستند.

به بهانه بیکاری حقوق کارگران را کم کردند

بوکان - کارگران قسم بخش مواد عفتی خانگه کمربندی و شرکت نفت بلوار در بوکان اعلام کردند که اگر به خواسته‌هاشان رسیدگی نشود دست به اعتصاب خواهند زد. در قطعنامه‌ای که کارگران صمصحس صادر کرده اند آمده است: "س از اغلاب سکو همد سرد م ایران که سگنی آن سردوس کارگران و زحمکشان بود ما کارگران انتظار داریم که وضعیت بهتر شود و فوایس انسانی ندوس گردد و از اسماز و رور کوئی بحاب سدا کنیم ولی اکنون شاهد هستیم که به سها از میزان سهرده‌کی و استمار و طلسم کم شده است بلکه روره روز به آن اضافه می شود. برای نمونه ما کارگران شرکت نفت خانگه کمربندی هر کدام با نشن معر عائلله با حقوق ماهانه حدود هزار تومان بطور مداوم کاری کنیم و فقط سار چهار سانه روز می‌نویسم ده ساعت به کارهای حاواده - کمان برسیم. و اگر فرزندمان مرخص شود ممکن است سار سه روز سواسم آوراسه دکتر سان دهیم. ناو خود این همه

ناکی رانان پیشرو تهران

اتحادیه را نباید محدود به مسائل صنفی کرد

تهران - تاکسیرانان پیشرو تهران ضمن صدور اعلامیه‌ای انتخابات اتحادیه فلابی تاکسیرانان را تحریم کردند و اعلام داشتند از سان همکاران نماز روز صدفی خود نمایندگانی را برای هیئت مدیره انتخاب خواهند کرد. متن اعلامیه بدین شرح است: "سرادان عزیز، احسرا شرکت به اصطلاح تعاونی که همه ما به حوسمی ماهشتن را می‌سایم رنگ عوض کرده و از درد بگری وارد شده است و اعلام انتخابات هیئت مدیره را می‌ماید و می خواهد عناصری را در رانان این شرکت منحل فرسار دهد که به هیچ وجه به از درد ما آگاه هستند و ما به هیئت صد اغلابان احاره جس همدردی را می دهد. ماضی تحریم این انتخابات بمعدهیم که نمایانند بهی واقعی منشکل آرنندگان زحمکشان ناکی که مشکلات و محرومتهای ما را با سوب و گوشت خود لمس می کنند می نواید مورد اعتنساد

۱۲ هزار پرونده کارگران راز

خانه کارگرا صفهان بیرون آوردند

براساس خبر رسیده، روز جمعه ۲۵ خرداد چند تن از مسئولان استانساری اصفهان همراه با یکی از روحانیون به خانه کارگرا صفهان می روند و به اتفاق ۱۰ نفر با سار کلنه بیرونده های کارگران را که بالغ بر ۱۲۰۰۰ پرونده می شد همراه می برند. گروهی از کارگران به این عمل اعتراضی اعتراض می کنند و داخل شدن به خانه کارگر را بدون اجازه و موافقت کارگران و باحتی اطلاع قبلی مسئولان خانه کارگر تجاوز به حریم آزادی و حقوق

اجتماع کارگران شرکت سد سازی

در وزارت کار

تهران - صدتن از کارگران آب سد شرکت سد سازی سار در تاریخ ۳۰ خرداد به نمایندگی از کلیه کارکنان این شرکت کطی ماههای بعد از اغلاب سیکسار شده اند. با مراجعه به وزارت کار خواستار بازگشت به کار و پرداخت مزد و مزایای نارینستگی شدند. سرمایه شرکت مزبور فرانسوی است و تاکنون عهده دار ساختمان سدهای منحل - لتنان ستهیاز (واقع در اصفهان) بوده و هم اکنون پرونده رضا شاه واقع در مسجد سلیمان را در دست دارد. اخراج کارگران که با پرداخت بول

# پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## به مناسبت سومین سالگرد

### شهادت هشت تیر



رفیق کبیر "حمید اشرف" از بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اختیار آنها، مسلمانان قطع نفوذ چپاولگران و بقایای فئودالیهای مرتجع و احیاء مجدد کشاورزی مآخوفا خواهد انجامید و در عین حال یکی از مساهلهای مهم و استواری به امپریالیسم در زمینه نیاز به مواد کشاورزی را مرتفع خواهد نمود.

شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری، باید عنوان ارگانهای اصلی اعمال حاکمیت خلق، در تمام زمینه ها به رسمیت شناخته شده و آنها باید حق شرکت در تمام ارگانهای حکومتی را داشته باشند. تنها در چنین صورتی است که نمایندگانشان واقعی مردم به صورتی دموکراتیک انتخاب شده و کارگران و دهقانان و زحمتکشان نقش واقعی خود را در اداره امور باز خواهند یافت.

تأمین و تضمین حقوق خلقهای ستمدیده که سالیان دراز در زیر ستم دوگانه طبقاتی و ملی قرار داشته اند از اساسی ترین خواستههای آنهاست. بدون تأمین حقوق ملی آنها، وحدت واقعی خلقهای ایران تحقق نخواهد یافت و عدم پاسخ دادن تفرقه گرای راهبرجه بیشتر ترویج خواهد نمود و در گمراهیهای منطقه‌ای را بین خلقها دامن خواهد زد.

تمام قراردادهای اسارت با اقتصاد - نظامی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای امپریالیستی باید فوراً لغو شوند. هیچگونه قراردادی که منافع خلقهای ایران و درضدیت با منافع سایر خلقهای منطقه است، نباید منعقد شود و هرگونه مداخله دولت در امور داخلی کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای مجاور از نظر ماهدستی یا مرتجعین و امپریالیستها تلقی می شود. ضمن اینکه باید از مبارزه رهایی بخش و ضد امپریالیستی خلقهای کشورهای تحت سلطه به ویژه کشورهای منطقه و در راس آن فلسطین حمایت و پشتیبانی شود. تنها با تأمین حقوق دموکراتیک توده‌های ستمکش خلق و اتکا به آنهاست که می توان یک سیاست ضد امپریالیستی و ملی را قاطعانه پیش برد.

تضمین حقوق اقلیت های مذهبی، تضمین حق برابری زن و مرد، حق اشتغال، حق استفاده از حقوق در هنگام بیکاری، حق داشتن مسکن و استفاده رایگان از آموزش و بهداشت، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سندیکا و اتحادیه و عضویت در جمعیتها، احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم تنها و تنها در شرایط نابودی سلطه امپریالیسم و وابستگی تأمین خواهد شد. زیرا تنها امپریالیسم و نیروهای وابسته بدان، تأمین حقوق واقعی توده هارا خلاف منافع و منافع خود می یابند و در جهت نابودی آن دست توطئه گری می زنند.

ما اعتقاد داریم، آنچه که امروز تحت عنوان قانون اساسی مورد بحث همه نیروهاست، در صورتی تأمین کننده منافع وسیع ترسمن توده‌های زحمتکش خواهد بود که مفاسد و جهت گیری های فاسق را در خود حفظ نماید و تحقق عملی آن را تضمین کند. اما امروز تأیید و تصویب چنین قوانینی، با چگونگی فراخواندن مجلس موسسان ارتباط نزدیک دارد. زیرا در این مجلس که اکثریت اعضای آن باید از نمایندگان کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری و از میان نمایندگان منتخب شوراهای انقلابی، برگزیده شده باشند، صلاحیت دارند بر اساس مضمون اصلی انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما، دستاوردهای قیام خلق را در تدوین قانون اساسی مورد نظر قرارداد و جهت گیری آن را که محور سلطه امپریالیسم و تأمین اساسی ترین حقوق توده های ستمکش خلق است سندیت بخشد و در عرصه جهانی از مبارزات آزادی خواهانه تمامی ستمدیدگان حمایت نمایند.

اما هرگاه مارکسیست - لنینیستهای خواهند این شعارها را تئوری به عمل درآیند، باید در جهت وحدت درونی خود و پیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر و سازماندهی این طبقه در جنبی انقلابی و طراز نوین با تمام نیرو و بکوشند. زیرا بدون نیروی متشکل و سازمان یافته طبقه کارگر امر مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک پیش نخواهد رفت و جنبش انقلابی خلق، زیر رهبری سایر نیروها که در نهایت مطلوب سیاستهای امپریالیستی می گردند، محو خواهد شد. ما بر این تجربه بزرگ تاریخی تأکید می کنیم و با استفاده از تمام شیوه های سازمانی و مبارزاتی در جهت ایجاد ستاد روزمنده طبقه کارگر خواهیم کوشید.

"جاودان باد خاطره شهیدای به خون خفته خلق" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۳۵۸/۴/۸

اگر امروز عمیقاً درک کرده ایم که وظیفه اساسی پیشرو در شرایط فقدان حزب، کوشش در جهت آن یعنی کار تبلیغی و ترویجی و گسترش پیوند سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر است، و سایر اشکال مبارزه باید در خدمت آن گرفته شود.

اگر امروز پذیرفته ایم که محور فعالیت های ما باید در آن جهت سمت داده شود، بدین علت است که باید قادر باشیم، همواره همیشه با هر نوع انحرافی در سازمان و در سطح جنبش به ستیز برخیزیم و قاطعانه با آن به جنگیم و از نایب دور افکنیم و بدینسان صفوف نیروهای پیشرو و طبقه کارگر را مستحکم تر سازیم.

کج اندیشی طرفداران تئوری به جهان و سوسیال امپریالیسم و تسلیم طلبی مزورانه و مایوسانه روبروی سیاست های توده ای نه تنها هیچ باری از دوش جنبش بر نداشته بلکه خود به عنوان یکی از موانع رشد آن بوده اند. جنبش مسلحانه آنگاه که در شیورسبج خود می نواخت، دل به کوردربائی سپهگین می زد، کجا بودند آنروز آنان که با دوازده گویی و نیشخند به کارنامه خونین سازمان چریکهای فدائی خلق می نگردند فدائیان خلق نه تنها خون شهیدای خود را وسیله توجیه خطاهای گذشته نمی نمایند، بلکه با تائید بر تجارب چندساله خویش صادقانه و شجاعانه در راه اعتلای جنبش انقلابی جنبش خواهند کوشید. در موقعیت کنونی بار بسیار سنگینی بر دوش جنبش قرار گرفته ما از طرفی باید در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر تلاش نمائیم و از جانب دیگر باید بتوانیم در مبارزه سیاسی با حاکمیت موجود بر مواضع اصولی و انقلابی تکیه کنیم. زیرا آنچه امروز در عرصه جامعه شکل می گیرد، برای تمام نیروهای انقلابی و مبارز کسانیکه به حفظ و ادامه دستاوردهای قیام توده‌های می اندیشند، بسیار نگران کننده است و هرگاه خواسته باشیم از منافع کارگران و زحمتکشان بیگیرانه دفاع کنیم، باید هر چه بیشتر ماهیت محافظه کارانه این سیاست هارا برای تمامی مردم بازگو - نمائیم.

این سیاست های محافظه کارانه و ناپیگیر امروز خود را در چگونگی تدوین قانون اساسی و سایر سیاست های که تا بحال عملی شده اند - به خوبی نشان می دهند.

حاکمیت سیاسی موجود از همان آغاز قیام، نسبت به توده های مسلح قیام کننده که با دکانهای رژیم منقر و رافع کردند، سیاستهای دوگانه در پیش گرفت و به محض پیروزی قیام با تشکیل کمیته‌ها، تلاش نمود سلاح را از دست مردم خارج نماید. آنها با دادن شعارهایی که توده هارا نسبت به ارتش خوش بین می نمود، از میزان خشم و نفرت مردم نسبت به این ابزار ضد خلقی کاستند. سپس سعی نمودند با تصفیه ارتش از ابزارهای فرماندهان شناخته شده و منظور به بازسازی مجدد آن دست زده بر آن تکیه نمایند.

در حالیکه انقلاب باید در درجه اول به توده های مسلح قیام کننده تکیه نموده و جهت حفظ دستاوردهای خود، با درهم شکستن ارتش ضد خلقی، ارتش انقلابی و خلقی را از توده های شرکت کننده در قیام و نظامیان جزئی که به قیام پیوسته اند، بوجود آورد.

در سپاه ایزده تمام انقلاب های پیروز مندر نشان می دهد که تنها و تنها خلق سازمان یافته و مسلح می تواند انقلاب را تا پیروزی نهایی به پیش راند. کسانی که امروز سعی در حفظ ارتش به همان شیوه سابق می نمایند و عناصری چون فرید، فلاحی، مدنی و رحیمی، را در راس آن می گمارند از پشت به انقلاب خنجر زده و آن راه شکست می کشاند. آنها امروز می گویند حال که شاه سقوط نموده و ارتش ملی شده، دیگر چه نیازی به سلاحهای خود دارید؟ ما پاسخ می دهیم که سلاح در دست نیروهای انقلابی بزرگترین ضامن حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه با توطئه های ارتجاع و امپریالیسم است و ما با موختن از تحارب تاریخ اعتقاد داریم تا هنگامی که ارتش انقلابی به وجود نیامده و امپریالیسم در تمام زمینه های اقتصادی - سیاسی، نظامی و فرهنگی - اخراج نشده، هیچگاه به ارتش که تنها تعدادی از فرماندهان مزدور آن تصفیه شده اند و اهداف، سیاستها، قوانین و آئین نامه های آن همچنان دست نخورده مانده اند، اعتماد خواهیم کرد و مردم نباید در این مورد خیال خام به خود راه دهند. اخراج کامل امپریالیسم از نظر ما متضمن اجرای سیاستهای ذیل می باشد:

۱- باید با مصادره و ملی سازی تمام سرمایه های وابسته، بانکها و اراضی، شرایط لازم جهت قطع نفوذ اقتصادی امپریالیسم و ایجاد صنایع بنیادی و مادر فراهم آید. از نظر ما یک سیاست ملی واقعی تنها به تغییر مدیریت صنایع و بانکها ختم نخواهد شد. بلکه این سیاست باید اداره این واحدهای تولیدی را به دست تولیدکنندگان اصلی جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان بسیار دوشواری انقلابی آنها را در تمام زمینه ها به مثابه تسخیر و مصادره به رسمیت بشناسد.

۲- آنچه امروز به نام ملی کردن بانکها و صنایع و اراضی به مورد اجرا گذاشته می شود، به هیچ وجه مورد تأیید توده هان نیست و ما آنرا چیزی بیش از تغییر مدیریت صنایع و بانکهای ورشکسته نمی دانیم. از نظر ما ملی شدن بادولتی شدن متفاوت است. ما ملی شدن راهم چون مصادره سرمایه های بزرگ چپاولگران با شرایط یاد شده به رسمیت نمی شناسیم.

۳- دهقانان و زحمتکشان روستا بخش بزرگی از جمعیت میهن ما را تشکیل می دهند که در نتیجه سیاستهای ضد خلقی رژیم سابق از هستی ساقط شده و کشاورزی ایران، به ورشکستگی کامل دچار آمده است. انجام یک اصلاحات ارضی دموکراتیک و انقلابی و مصادره واحدهای تولیدی بزرگ کشاورزی از دست زمینداران بزرگ و سپردن آنها به دست زحمتکشان، همراه با رسمیت شناختن شوراهای انقلابی دهقانان جهت اداره تمامی کارها در روستا و قرارداد دادن امکانات مالی و فنی کافی در

خلق قهرمان ایران امروز در اینجا گرد آمده ایم تا با تلاش قهرمانانه ای رفقای فدائی شهید را گرامی داریم.

گرد آمده ایم تا خاطره رفقای رازنده کنیم که در سالهای سیاه گذشته مظهر اراده انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقهای ستمدیده میهن بودند.

آمده ایم تا از رفقای یاد کنیم که آشتی ناپذیری و شهامنت انقلابیشان، همه انقلابیون و مبارزین راه آزادی را توان می بخشید و راه سرح رهائی کارگران و زحمتکشان را ترسیم می نماید.

هشت تیر، یاد فدائیان شهید:

حمید اشرف، محمد حسین جفتواز، یوسف قانع، طاهره خیر م غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد رضا بیری، غلامعلی خراط پور، سنی اکبر وزیری، محمود عظیمی بلوریان، مارتیک قازاریان بدالله زارع کاریزی، تزئین السادات روحی آهنگران، محمد مهدی فوقانی، گلرخ مهدوی، نادعلی پورنعمه، ابراهیم خیری، نسترن آل اقا، مریم شاهی، عبدالله سعیدی بیدختی، احمد خرم آبادی، کاظم سلاحی، حسین موسی دوست، عسکر حسینی، بهزاد امیری دوان حمید آریان، نادره احمد هاشمی، علی رحیمی علی آبادی، افسر السادات حسینی، سیمین توکلی، حمیدرضا هزارخانی، کاظم غبرائی و حمیدزبان کرمانی، گرامی باد.

خلق مبارز قهرمان ایران طی سالهای طولانی حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم، بخاطر ایجاد ایرانی آزاد، دموکراتیک دست به مبارزه ای خستگی ناپذیر زده و در این راه حماسه ها ساخته و شهیدای بسیار داده است. با همه آن تلاشها و شهیدای برای ما گرامیست و ما همیشه خود را بنامه ادامه دهندگان آن تلاشها و سنت های انقلابی دانسته ایم.

شهیدای انقلاب، آنها که صداقت راباخون سرح خویش معنی کردند، به تمام خلق و انقلابیون راستین تعلق دارند و تمام کسانیکه می خواهند نسبت به انقلاب وفادار بمانند، از آنها می آموزند.

می آموزند: تنها کسانیکه انقلابی باقی خواهند ماندند که با آگاهی نسبت به منافع کارگران و زحمتکشان، حاضر باشند جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش فدا کنند و ما امروز با در فقای را گرامی می داریم که فدائی بودند و فدائی وارد راه آرمان طبقه کارگر جان باختند.

اکنون قیام دلاورانه خلقهای ستمدیده ایران رژیم سیاه دیکتاتوری را به گور سپرده و امپریالیسم را ریساری مواضع گذشته اش و ادار به عقب نشینی نموده است. در تاریخ مبارزات آزادی بخش مردم ما قیام میهن که به سقوط رژیم ضد خلقی شاه انجامید، نقطه عطفی بسیار مهم به شمار می رود که در نتیجه آن دوره جدیدی از انقلاب رهایی بخش مردم آغاز می شود و از ویژگی های دیگری برخوردار است. همه ما آن سالها را بخاطر می آوریم و همه انقلابیون و مبارزینی که از آن سالها برجای مانده اند، یاد تلخ آن را با خود به همراه دارند. سالهایی که طبقات و گروههای وابسته و سرسپرده حاکم مین مارا تبدیل به گورستان انقلابیون و مبارزین نموده و می اندیشیدند که در مقابل زور و زر آنها و اربابان نشان قیام امری محال است و این خلق محسروم و ستمدیده محکوم است برای همیشه بندهای پوسیده بندگی را همچنان برای نسلهای آینده بر جای گذارد.

سالهایی بود که وفاداری به خلق و انقلابی ماندن، رسالتی بس گران بود. چه بسیار کسانی که در این راه جان باختند و چه کسانی که در نیمه راه بازماندند و یا آنکه به خلق پشت کردند و یا آنکه وحشت و هراس خویش را از مبارزه در زیر پوششی از نظریات خود ساخته پنهان نموده و به نشخوار اندیشه های باطل خویش مشغول بودند.

در آن سالها چه کسانی انقلابی بودند؟ چه کسانی پرچم خونین مبارزات انقلابی مردم را بردوش کشیدند؟ چه کسانی جوهر دینت یابی به تئوری و عمل انقلابی را در خود پرورش دادند؟

بدون شک آنها که در سالهای سیاه گذشته از مرگ نهراسیدند و استوار و سوازش ناپذیر باقی ماندند، چنین رسالتی را بردوش کشیدند. امروز پس از آن سالها، جنبش انقلابی ما تحارب سب گرانبشایی به قیمت خون هزاران شهید به دست آورده، اکنون ما از دوران تحارب اولیه به دورانی گام نهاده ایم که پیشروان آن تئوری و پیرانیک چندین ساله سازمان و مجموع جنبش کمونیستی میهنمان قرارداد و آنچه را که تا دیروز به واسطه جمع محدودیت های تاریخی خویش از درک همه جانبه آن ناتوان بودیم می توانیم با عمق بیشتری نظاره کنیم و در ساره آن دآوری نمائیم.

رفیق حمید اشرف می گفت: هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی توانستیم رشد کنیم. تاریخ تمام انقلابات نشان می دهد که چگونه جنبش ها افت و خیز بسیار داشته اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده اند و آسیب های بزرگی دیده اند ولی پس از روز شکست ها، با بهره گیری از تحارب و نقد آن مجددا بر سر پیکار برخاسته اند.

اگر امروز تأکید می کنیم که ایجاد حزب طبقه کارگر یک ضرورت گریز ناپذیر برای تحقق انقلاب دموکراتیک خلق است، و واقعاً بدون تشکیل حزب طبقه کارگر رهبری این طبقه در انقلاب تحقق نخواهد یافت و اگر امروز دریافته ایم که تأکید بر نقش محوری مبارزه مسلحانه و تعمیم آن در تمام طول پروسه انقلاب، تأکیدی در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر نیست.

اگر امروز دریافته ایم که حل مفهوم طبقه کارگر در توده و یکی گر فتن مفهوم طبقه و خلق و تأکید بر سیسج بلا واسطه تمام خلق، بدون در نظر گرفتن نقش رهبری طبقه کارگر در جنبه خلق انحراف از اصول است،



# تحصن فارغ التحصیلان بیکار بانک

و ضد خلقی .  
۵- ایجاد کارخانه در همه نقاط کشور و مخصوصا کردستان و بیکارگاردن کارگران بیکار .  
۶- ایجاد مدرسه ، جاده ، لوله کشی آب و تامین برق در روستاها و فراهم نمودن امکانات رفاهی از جمله وام ، بذل ، کود ، ماشین آلات برای دهقانان و لغو کلبه دیون آنها .  
۷- تشکیل هر چه سریعتر شورای شهر بعنوان تنه ا مرجع تصمیم گیری در امور شهر .  
۸- لغو کامل سانسور از رادیو و تلویزیون و مطبوعات و آزادی فعالیت برای تمام سازمانها و گروههای سیاسی .  
در این میان استاندار دو بار غیر مستقیم با متخصصین تماس گرفته و خواستار ۱۰ روز مهلت شده است که متخصصین این وعده را قبول نکرده و خواستار تماس مستقیم با استاندار و نماینده وی شده اند .  
گروههای سیاسی موجود در بانه و سنگسار و رانندگان و همچنین امام جمعه از این تحصن اعلام پشتیبانی نموده اند .

فارغ التحصیلان بیکار شهرستان بانه با انتشار قطعنامه ای ضمن اعلام پشتیبانی از تحصن بیکاران درسراسر ایران ، پشتیبانی از تحصن خانواده ها که بعنوان اعتراض به دستگیری حماد شیبانی از اعضای سازمان صورت گرفته بود همچنین برای اعتراض نسبت به بیماران مناطق مرزی کردنشین توسط دولت نسبت به توطئه های عوامل وابسته به رژیم سابق تحت عنوان عوامفریبانه اتحاد به عنانبره و تأیید دولت از کفر اسر ضد خلقی سندج ارتاریخ ۲۱ خرداد بعلت بی اعتنائی نسبت به خواسته های خود در فرمانداری بانه متحصن شده و اعلام کرده اند که در صورت ادامه بی اعتنائی ، تحصن خود را به سایر ادارات منتقل خواهند کرد .  
خواسته های متخصصین عبارتند از :  
۱- به کارگاردن فارغ التحصیلان بیکار .  
۲- پرداخت حقوق ایام بیکاری و ایجاد بیمه بیکاری تا تحقق خواسته ها .  
۳- رعایت حق تقدم افراد بومی در استخدام .  
۴- تصفیه ادارات از عناصر مرتجع

# بیکاری

## همچنان مشکل بزرگ جامعه است

این کانون در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ اعلامیه ای صادر کرده و به تبلیغات سوء عناصری اشاره کرده که چون خودشان بدلیل وابستگی شان به سرمایه داران و ارتجاع زندگی شان تا من است و مشکلی به نام بیکاری ندارند و کانون را مانعی در جهت تحقق منافع شخصیشان می بینند . در جهت فعالیتهای کانون کارکنانی می کنند .  
سندج - در حدود ۱۰۰۰ نفر بیکار فارغ التحصیلان سندج در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ برای اعراض به بیکاری در جبهه های شهر راهپیمایی کرده در حله استاندار جمع می شوند . بعد از خواندن قطعنامه و گفتگو با معلمان و استاندار در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ برای اعراض به بیکاری به خواسته های شان مهلت تعیین می کنند و بعد از راهپیمایی مجددا در میدان آزادی منقری می شوند .

از آنجائیکه دولت موقت بنا به ماهیت طبقاتی خود و در نظر گرفتن منافع سرمایه داران وابسته بطور جدی در جهت حل مشکل بیکاری قدم بر نمی دارد ، عده زیادی از کارگران و زحمتکشان به دلیل بیکاری برای تامین معاش خود و خانواده با مشکلات زیادی مواجه هستند  
اراک - فارغ التحصیلان بیکار اراک در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ در یک گرد همایی به دعوت کانون تحصیل کرده های بیکار شرکت کرده و قطعنامه ای صادر و خواسته های شان در مورد تامین کار و ایجاد واحدهای فنی و آموزشی رفع نفع در امور استخدامی و ... صادر کردند .  
میان دو آب - کانون فارغ التحصیلان بیکار میان دو آب در یک گرد همایی در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ با هدف حل مشکلات کارایی و جلوگیری از تبعیض شکل شده است و مورد تأیید فرمانداری هم فرار گرفته است .

# دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا

## تالار دانشکده را به نام فدائی شهید فرامرز شریفی نامگذاری کردند

روز سه شنبه ۲۹ خرداد دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا به مناسبت پایان سالی که در انقلاب گذشت "مراسمی برای گرامی داشت یاد فرامرز شریفی فدائی شهید در دانشکده هنرهای زیبا برپا کردند" (رفیق فرامرز در یک درگیری در سال ۱۳۵۱ در کنار رفقای هم رزمش

مهدی فضیلت کلام ، فرخ سپهری به شهادت رسید) در این مراسم پس از سخنرانی یکی از دانشجویان رفیق پددر (عباس فضیلت کلام) پدر فدائی شهید مهدی فضیلت کلام و شیرین وانوشه و خانم سپهری خواهر چهار فدائی شهید و همچنین خانم شریفی مادر فرامرز

سخنرانی کردند .  
خانم شریفی در سخنان خود به یادداشت چریک فدائی حماد شیبانی شدیداً اعتراض کرد .  
در پایان تالار دانشکده هنرهای زیبا به نام فرامرز شریفی نامگذاری شد .

### نامه يك دانش آموز ملایری

## اگر کسی خواست حق خود را بگیرد ضد انقلاب است؟

ندارد ، واهمیتی نیز ندارد . اگر پیش از این در امور بی نظمی کنید ، هر چه دیدید از چشم خودتان دیدید اما کارگران زیر بار حرف زور نرفتند و در حالیکه فریاد می زدند و شعار جمالی اخراج باید گرد می دادند ( جمالی در سال گذشته رئیس امور مالی در شهرداری ملایر بوده ) به طرف محل کار جمالی رفته و او را از محل دفتر خود بیرون کشیده و موفق شدند یک هفته مهلت برای اجرای خواسته های خود که یکی همیسن اخراج آقای جمالی رئیس حسابداری ، پرداخت ۲۵۰۰ تومانی که بر اساس بخشنامه جدید باید پرداخت گردد ، برخورداری کلیه مزایا و حقوق بیمه و بازنشستی ، کار در بیرون ، فضای سبز و پشتیبانی از حقوق و آزادی کارگران با ایجاد محیطی کاملا دموکراتیک ، انتخاب نماینده واقعی و تعیین انجمنهای کارگری در ملایر بگیرند .  
ولی لازم است یاد آوری کنم قبل از اینکه کارگران موفق به گرفتن مهلت برای انجام خواسته های خود شوند رئیس شهرداری به کمیته محل خبر داده بود که جمعی صد انقلاب و از خدایی حیر در امور شهرداری بی نظمی به وجود آورده اند و بلافاصله یک عده ماوریه داخل کارگران ریخته و از آنها می خواستند که محل را ترک کنند . اینجا یک سؤال برای من پیش می آید . آیا اگر کسی خواست حق خود را بگیرد احلالگر و با ضد انقلاب است ؟

بعد از سلام و آرزوی موفقیت در کار و هدف خود ، من دانش آموز سال اول دبیرستان هفده شهریور ملایر هستم . من با آشنائی اوضاع زندگی کارگران و زحمتکشان شهرمان به یک حقیقت مهم ، آگاه شدم شاید خیلی دیر ولی به هر حال دانستم که این تمامی انقلابی نبود که می خواستیم و خلاصه به این نتیجه رسیدیم که تا وقتی که جامعه طبقاتی وجود داشته باشد ، انقلاب نیز هست .  
مثلا دپروز یعنی شنبه ۱۳ خرداد جمعی از کارگران مبارز بخش شهرداری ملایر ( تقریبا ۲۰۰ بنا ) به خواسته های خود که دارند در سالن شهرداری اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیتان شدند . این تحصن در ساعت ۱۰ صبح شکل بهتری به خود گرفت و رئیس شهرداری را مجبور به گفتگو با کارگران زحمتکش در زمینه خواسته های به حق خود کرد . ولی باز مثل همیشه و همانند سابق بعد از کمی کلنجار رفتن با کارگران ، حاشیه رفتن ، از کارگران خواستند که صبر انقلابی داشته باشند و برآستی این کلمه مدروز مسخره ترین و مضحکترین کلمات سخنوران است . سرانجام وقتی رئیس شهرداری بنا پافشاری کارگران روبرو می شود از میدان بدر رفته و کارها را بدست فرماندار ملایر آقای روشن صمیر ( فرماندار به اصطلاح انتخابی مردم می سپارد ) . ایشان نیز کارگران شهرداری را تهدید به اخراج کرده و می گویند در حدود دو بیست کارگر بیکار داریم و در حقیقت کار شما برای ما ارزشی

## کارآموزان کانون کارآموزی مهاباد چه می خواهند

کانون کارآموزی مهاباد با ظرفیت ۳۰۰ کارآموز که در آن ۵۰ نفر کارآموز در رشته های مختلف تولیدی از قبیل فالی بافی ، نجاری ، جوشکاری ، خیاطی ، ... اشتغال دارند و تحت عنوان "آموزش" درآمد کلانی به جیب دولت سرازیر می کنند ولی از تولید خود هیچگونه بهره ای نداشته و حتی قادر به رفع نیازهای ابتدائی خود نمی باشند .  
کارآموزان هنوز هم با وجود سرنگونی رژیم شاه خاش مثل سابق تحت شرایط انضباط سخت و فشار قرار دارند . این کارآموزان برای رسیدن به خواسته های خود در جهت اصلاح وضعیت کانون از تاریخ پانزدهم خرداد دست به تحصن زدند .  
کارآموزان بدینال این تحصن بیکاری امتیازات جزئی گرفتند . ولی به خواست اصلیشان یعنی پرداخت حقوق ماهیانه هنوز حواب قطعی داده نشده است . آنها برای مطرح کردن خواسته های برجی خود با مقامات مسئول استان ، دو نفر نماینده انتخاب کرده و به ارومیه فرستادند . کارآموزان می گویند :  
" اگر جواب مثبت به خواسته اصلی ما داده نشود امتیازات خود را ادامه خواهیم داد . چون اس حق مسلم ما است کانون علاوه بر درآمد ناشی از تولید ما بودجه هنگفتی دارد . باید حقوق ماهیانه مادر بودجه منظور گردد با درآمد تولید در اختیار خودمان گذاشته شود .

## برای روستائی در روستا هیچ امکانی وجود ندارد

کند ، نمی تواند چون هنوز آن امکان را ندارد که بتواند شرکت کند من که این را می نویسم می خواستم در جشن روز کارگر شرکت کنم ولی نتوانستم .  
... دولت انقلابی دولتی است که سانسور را برین سیرد حقیقت را بگوید ، درد مردم را بگوید ، بعد از انقلاب برای افراد محروم جامعه وضع همانطور است ، بجای آنکه بهتر شود . آیا روزی فرا خواهد رسید که تفاوت بین مردم شهری و روستا دیگر امکان پذیر نباشد ؟

نامه ای تحت عنوان بالا را که از طرف یک دانش آموز روستائی در کردستان غرب مطرح شده ، که گوشه هایی از آنرا بجا می رسانیم .  
... یک روستائی خیلی در دارد که با حرف ردن دوا نمی شود ، بیک روستائی که وضع مادرس خوب نماند نمی تواند بچه اش را فرستد مدرسه ... یک روستائی که می خواهد در یک سخنرانی با یک بحث با در خطاهای و راهپیمایی با در جشنهای کارگری شرکت

## بینائی يك کارگر در خطر است

بزرگان بیمارستان اورا بدون معالجه قطعی مرخص می کنند . روز بروز چشم کارگر کمزور بدتر می شود تا اینکه پسرش اورا به بیمارستان فارابی تهران می آورد و در تهران بزرگان به او می گویند چون دیر شده باید برای معالجه کامل به خارج بروی .  
وزیر کشاورزی در حرف قبول می کند خرج سفر و معالجه اورا تا من کند ولی هیچگاه به این وعده خود عمل نمی کند .  
قضیه به همین جا خاتمه نمی باید بلکه حقوق این کارگر را به علت اینکه مرخص نشده قطع می کنند و شکایتهای مکرر به وزارت کار هم به جایی نمی رسد .  
بعد از انقلاب همسرا و به کمیته شکایست می کند اما کمیته چی ها هم به خواسته های او جواب رد می دهند . در حال حاضر غضنفر بخشی ، در وضع خطرناکی به سر می برد و خانواده او نیز در تنگنا و ناراحتی هستند .

عدم وجود شرایط سالم و بهداشتی و ناامنی محیط کار که ناشی از حرص و طمع سرمایه داران برای بدست آوردن سود هر چه بیشتر است تا کانون خسارات جانی زیادی به کارگران وارد آورده است .  
نبودن شرایط بهداشتی و ایمنی کامل در محیط کار ، گاهی فجایعی به بار می آورد که به قتل یا نقض عضو کارگران می انجامد و کارگری که به این مصیبت گرفتار می شود همچون ماشینی فرسوده و ناقص از نظر کار فرما غیر قابل استفاده می شود .  
هم اکنون یکی از کارگران اداره کشاورزی گنبد کاووس به علت نبودن شرایط ایمنی و تجهیزات لازم در استان بانه بنایی قرار گرفته و هیچ کس هم خود را مسئول نجات او نمی داند .  
" غضنفر بخشی " کارگر اداره کشاورزی هنگام کسار دچار حادثه می شود و سم به سرو صورتش می چسبد . بعد از حادثه کارگر مزبور را به بیمارستان شیروخورشیدی برند . اما

# خواسته های مردم افسریه و شاه آباد شرق

سبز ، کتابخانه عمومی ، سالن ورزش ، جدول و آسفالت و پل خیابانها و یک چراغ راهنمایی در تقاطع بیست متری اتوبان برای جلوگیری از تصادفات ، تلفن عمومی ، بیمارستان و زایشگاه ملی ( رابگهان ) مهد کودک برای زنانی که کاری کنند ، کلاسهای رایگان خیاطی ( برای زنان ) فروشگاه مواد غذایی ، اتوبوس شرکت واحد از شاه آباد تا خیابان پیروزی ( فرج آباد سابق ) نصب و تعمیر چراغ خیابانها .

" ما مردم افسریه و شاه آباد شرق مبارزه کرده ایم که نه فقط نام " خارج از محدوده " تغییر کند بلکه بخاطر این بوده هست که از رفاه اجتماعی و آسایش برخوردار گردیم .  
خواسته های اساسی و فعلی ما عبارت است از حل احتیاجات و خواسته های عملی و به حق مردم افسریه و شاه آباد شرق .  
تامین آب ، برق ، رختشویخانه ، کلاسهای بیکار بانی سواد ، پارک و ایجاد فضای

عده ای از مردم شاه آباد شرق در نامه سرگشاده ای که به دولت مهندس مهدی بازرگان نوشته اند ضمن تاکید بر حفظ دستاوردهای انقلاب و اشاره به وضعیت گذشته خود و اجحافات و دستمهایی که از جانب رژیم سابق و بسویله عناصر ارتجاعی به استناد قانون ضد مردمی " خارج از محدوده " به آنها شده خواسته های را مطرح کرده اند . آنها بعد از ذکر مبارزاتشان در راه گرفتن حقوق اهالی مخصوصا حمله شان به ساختمان شهرداری در سال ۵۶ و ۵۷ نوشته اند :



# اظهارات يك روستائی كه در واقعه روستای سیلاب دستگیر و شکنجه شده است

یکی از روستائیان سیلاب که پس از گذشت ه (روز هور) آثار کودی هسای ناسی از شکنجه در نقاط مختلف بدنس باقی مانده است ، جریان دستگیری خود را حسن تعریف می کند :

صبح روز حادثه (۵۸/۳/۱۲) ما در قهوه خانه نشسته بودم که خبر آوردند محاهدین گمنام شاهیور ، شوریکرا اشغال کرده اند . نم ساعت بعد خبر آوردند که محاهدین از شوریک طرف سیلاب حرکت کرده اند . و بعد گفتند که محاهدین وارد سیلاب شده اند . ماهوز در قهوه خانه بودیم که بن گفتند سائبرون . و فنی سائبرون آمدم مراد دستگیر کرده و قهوه خانه دیگری که حلو مسجد بود بردند . وقتی وارد قهوه خانه شدم ، از دیدن یک سرهنگ یک سرگرد ، یک سروان (سروان قدسی) فرمانده گروهان شاهیور) ۳ نفر از ما را خوی و تعدادی محاهد خوبی تعجب کردم . در مدت کوتاهی که مراد آن قهوه خانه نگه داشته بودم ۹ نفر دیگر را دستگیر کرده و آنجا آوردند . بعد ما را سوار وانت سار کردند و همراه دو مانس اسکور بر فراز افراد ملنگ یکی در پشت دیگری در حلو ، به سلماس ، به شهرسانی بردند . محس ورود به شهرسانی ما را به با دفنهای رکت گرفتند . ده دقیقه ای از آوردن ما

## سیل زدگان تبریز:

### دولت ومسئولین امور . . .

از دست رفته شان بی تابانه می گویندند به از حضور ارتش و استانداری و شیر و حورشید و شهرداری و سایر عوامل کک دهنده دولتی در کمک به مردم مصیبت زده اثری پیدا نکردند . برای

فرمانده پادگان در جواب اعتراض یک سرباز نسبت به دادن گزارش دروغ از کمک ارتش گفت: " به خدامن گزارش ندادم "

نمونه سربازی می گفت: " من نگهبان جلودر بودم ولی تا ساعتها هیچ کاموسی برای کمک از پادگان خارج نشد . پیش فرمانده رفته و گفتم کدام کاموس و کد ام گروه امداد ارتش به باری سیل زده گان رفته است ؟ چرا گزارش دروغ می دهید ؟ شما دروغ نان بغه مردم را که صمیمانه می خواهند کمک کنند فریب می دهید مردم خیال می کنند که ارتش همکارها را انجام می دهد در نتیجه کمی خیالشان راحت می شود در حالیکه سیل زدگان همچنان بار سختی سیل را تنهاده دوش می کشند .

### روستائیان بی زمین روستای کلانتر خواستار تقسیم زمین های مالکین هستند

بجنورد - ۵۸ خانوار از روستای کلانتر از بخش بانه در ماهی که به عنوان رئیس دولت نوشته اند ضمن تشریح وضع و مشکلاتشان در مورد داشتن زمین و کشاور در پاسخ به گفته یکی از وررا که گفته است به روستاها برگردند و کشاوری کنند

" آقای وزیر ، اینان که در شهر کار می کنند نیروهای فعال کشاورزی هستند اما متأسفانه آنان در روستاها بی زمین هم ندارند و آنک ما روستائیان از جنبه عالی شوال داریم تحت چه روابط و قوانینی به روستاها برگشته و فعالیت کشاورزی داشته باشیم . آیا زمین در اختیار ما قرار خواهد گرفت یا دوباره به دست استعمارگران میسرود ؟ در انتهای نامه خواستهای زیر را مطرح کرده و نوشته اند :

- ۱- تهنه کردن زمین برای کشاورزی
  - ۲- آب آسایشی
  - ۳- حمام
  - ۴- بهداشتی
  - ۵- زدن چاه برای آبیاری
  - ۶- برق منطقه
  - ۷- راه سازی بابل
- دربزر نامه امضاء و اثر انگشت بنیاز نصت تفریح اضافه اسمی ۶ نفر از مالکین روستا با مقادیر زمینهایشان آورده شده است .

ماهان - اهالی روستای سه کنج خواستار جرفه عمیق برای زمینهای مزروعی خود شده اند . در حال حاضر زمین های این روستا هر ۱۲ روز تنها ۲۴ ساعت از آب چشمه ای مشروب می شوند که قسمت اعظم آب آن صرف آبیاری زمینهای خود ماهان می شود . روستائیان سه کنج علاوه بر این ، خواهان پرداخت وام طویل المدت بدون بهره و تأمین برق روستا شده اند .

سنندج - روستائیان الکوصارم - آباد در قطننامه خود ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب و روح آزاد بخواهی مردم زحمتکش ، خواهان محاکمه والی خان سنندجی ، ظالم خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی و همچنین تحویل درآمددهای زمینهای خود که والی خان غصب کرده ، از بعد از اصلاحات ارضی تاکنون شده اند . روستائیان همچنین خواستار از نو ساخته شدن آبادیهای مازم آباد و سید اسماعیل که به وسیله همین فئودالوران گردیده شده اند و از دولت خواسته اند برای جلوگیری از بروز حوادث ناگوار به والی خان اجازه بازگشت به روستای الک راندهد .

## قدرت شوراها . . .

بقیه از صفحه ۱

عوامل زمینداران ابغا کند . بر طرف کردن روحیه فردی در بین روستائیان از طریق تشویق و ترغیب روستائیان به انجام کارهای جمعی ( ساختن مدرسه ، پل ، حمام و غیره ) که برای استفاده همه اهالی است و تشکیل اجتماعات عمومی در روستا و بحث و گفتگو در زمینه مسائل مشکلات مشترک روستائیان طرح پاره ای از تجربیات سایر شوراها و ناط مشیت و منفی آن و بررسی وقایع و اخبار جاری در زمین ، نقش مهمی را در بر طرف کردن جنبه روحیه ای خواهد داشت . لازم به تذکر است که رسیدگی به امور جاری روستا تنها از عهده اعمای شورا بر نمی آید . بلکه کمک و یاری افرادی که می بایست در کنار شورا مسئولیتهائی را بعهده بگیرند ، منوط برای حل مسائل ضروری باشد .

### با اتحاد و همبستگی

### کشاورزان زمین های خود را

### از ارباب پس گرفتند

اهالی روستاهای بالا سالدورکلا و پائین سالدورکلا و قهرینه کساکلا ( در اطراف قائم شهر ) پس از تشکیل جلسه و بحث های زیاد ، روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ تصمیم به تصرف ۱۰۲ هکتار از زمینهای خود که در زمان رژیم ضد مردمی پهلوی به زور و وسیله برادران عبدالهیی از مشهورترین رباخواران بابل غصب شده بود گرفتند . بعد از تصرف زمینها تصمیم می گیرند آنرا بطور جمعی کشت کنند و عواید امالش را هم بین خود ( افراد بی زمین و کم زمین ) تقسیم کنند .

در روستای موسی کلاهم که در نزدیکی روستاهای فوق قرار دارد تحت تاثیر این حرکت تصمیم به تقسیم زمین همین اربابان درده خود می گیرند . اما عمال عبدالهیی پیش دستی کرده و خواستند خودشان زمینها را بین اهالی تقسیم کنند تا بتوانند قسمت زیادی از زمینهای اربابان را حفظ کنند . این عهده برای مردم فاش شد . روستائیان روز بعد زمین ها را تصرف کردند .

با این حرکت روستائیان کدخدای مزدور این ده دست به اجیر کردن چند جمادقار و آتش زدن خانه یکی از روستائیان زد . کشاورزان خوشگین از این توطئه سارن و بجه خود به دادگستری قائم شهر رفته و به این امر اعتراض می کنند و از دولت می خواهند که دست این خائنها را از روستاها کوتاه کند .

### اخطار شورای

### روستای باغچه بپی

بوکان - روز دوشنبه ۲۸ خرداد چند نفر از فئودال زاده های بوکان از خانواده ادھی برای تفریح به روستای باغچه بپی می آیند و با سلاح گری خود شروع به تیراندازی می کنند . این عمل توطئه میز با مخالفت تعدادی از اهالی روستا و بر روی می شود اما خان زاده های عیاش ادھی آنان را تهدید به حملات بعدی می کنند که در این حال روستائیان اخطار می کنند در صورت تکرار چنین تحریکاتی به مقابله با آنان خواهیم پرداخت . عده ای به اسامی زیر از طرف اعضای شورای روستای باغچه بپی اهالی اطلاعیه خود را منتشر می کنند . علی حیدری نیاب - ابوبکر مجاوری - عبدالله رحیمی - حسن سهرابی - عمر بابلی - اسماعیل سهرابی - ابراهیم رحیمی - حسن مصطفی زاده - رحمان بابلی باغچه .

روستائیان زحمتکش و محروم ما در ماههای اخیر با تجاوزات بی شمار فئودالها و مالکان متجاوز و غارتگر روبرو بوده اند . روستائیان و نیروهای انقلابی بارها و بارها طی هشدارهایی وجود خطرات بیشمار را در مناطق روستایی گوشزد کرده اند . اما همیشه بابتی توجیهی و لاقیدی مقامات مسئول مواج شده اند بدیهی است که چنانچه دولت بطور جدی با تحریکات عوامل شناخته شده ای در روستاها از جمله در کردستان برخورد جدی ننماید عواقب زاینبار ناشی از تجاوزات و جنایات فئودالها و عوامل مرتجع نظیر قیامه موقتها و بارزانی ها و پالیزبانها را با کشاورزان و زحمتکشان روستا در کردستان متوجه خود خواهد کرد .

تشکیل اتحادیه دهقانان

# گام دیگری است در جهت وحدت روستائیان

تشکیل شوراهای دهقانی در روستاهای کشور، گام مهمی است در جهت اتحاد و همبستگی روستائیان برای احقاق حقوق خود و مقابله با مفاوحت در برابر عاصبین و متجاوزین. اکنون این سوراها در بسیاری از نقاط ایران تشکیل شده است. اما قدم مهم بعدی برای اتحاد بهتر و وسیع تر و کسب موفقیت‌های بیشتر و مطمئن تر، تشکیل اتحادیه‌های دهقانی است. این اتحادیه‌ها که خود را به هم پیوستن چند شورا به وجود می‌آید، برای انجام خواسته‌های مشترک روستائیان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت خود و مقابله با تجاوز مالکین و عاصبین و احقاق حقوق آنان، از توانایی بیشتری برخوردار خواهد بود. مادر اینجاست که تشکیل یک اتحادیه دهقانی را در منطقه ای از کردستان و کوشش دهقانان و خوش‌نشینان منطقه دیگری از همین استان را جهت تشکیل چنین اتحادیه‌ای می‌آوریم.

سوکان - اهالی روستای "جامی‌کند" ۱۸ روستای دیگر واقع در غرب بوکان، روز ۱۶ خرداد ماه طی اجتماع باشکوهی در همین روستا، اتحادیه دهقانی جامی کند (روستاهای اطراف آن) را تشکیل دادند. در این اجتماع حدود ۵۰ نفر شرکت داشتند که اکثر آنها نمایندگان از طرف روستائیان آمده بودند.

البتة تشکیل این اتحادیه بدون مشکلات انجام نگرفت. روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ماه که چند تن از اهالی روستای جامی کند به روستای "سه درآباد" می‌روند و در مسجد، مسئله تشکیل یک اتحادیه دهقانی بین روستای آن منطقه را مطرح می‌کنند. پس از مدتی، ارباب روستا به نام جعفر آقا ایلخانی زاده مردورانش را به مسجد می‌فرستد و با تهدید از مردم می‌خواهد که مسجد را ترک کنند و برای انجام خواستشان در مقابل مردم سنگر می‌گیرند. ارباب به مردم می‌گوید:

"شما حق ندارید بدون من تصمیم بگیرید و باید بگران مشورت کنید. کسی هم حق ندارد به ده من بیاید." این ارباب چند ماه پیش نیز از تجمع مردم در مسجد جلوگیری کرده و در مسجد رسته بود. اما فردای آن روز چند نفر از اعضا اتحادیه "اطمین" وعده‌ای هم از روستاهای اطراف، عازم "جامی‌کند" شدند تا از روستائیان پشتیبانی کرده و از درگیری جلوگیری کنند. سرانجام ارباب با مشاهده اتحاد و مقاومت روستائیان حرف‌های روز پیش خود را پس گرفت و روستائیان توانستند درباره اتحادیه خود در مسجد صحبت کنند و مردم را به جلسه روز چهارشنبه ۱۶ خرداد ۵۸ برای تشکیل اتحادیه دعوت نمایند. در طی این جلسه چند نفر سخنرانی کردند. این اجتماع که نشان دهنده آگاهی دهقانان به ضرورت اتحاد هر چه بیشتر خود در برابر فئودالها و عوامل مرتجع و اختناق، حقوق‌ازدست رفته خویش بوده با تاکید بر رهبری شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی و ملی خلق کردادامه یافت و در پایان روستائیان در حالیکه سرود "کردند و زانی خواندند" به طرف دره راه افتادند.

کشاورزان و خوش‌نشینان و نمایندگان شوراهای دهقانی روستاهای دربند، دالان باغچله، غیاث‌آباد، تازه آباد و زرین و بیش از سه روستای منطقه "فرا-توره" از توابع سنندج نیز در یک گردهمایی به منظور اتحاد بیشتر و نزدیکتر قطعه‌های صادر کردند که قسمتهای از آن را در زیر می‌آوریم:

"ماد دهقانان این بخش، با توجه به پیروزی مردم زحمتکش ایران... حق و وظیفه خود می‌دانیم که برای بدست آوردن حقوق خود که توسط اربابهای غارتگر منطقه و به کمک زاندارمیری و ساواک باطل شد، متحد شده و اختلافات و

در قطعه‌نامه "اخراج زحمتکشسان روستاهای اطراف ارومیه و منطقه "سارال" و دیگر مناطق و تشکیل اتحادیه‌های ارتجاعی فئودالها" محکوم شده است. روستائیان همچنین حزب بعث عراق و تجاوز هواپیماهای عراقی به مرزهای ایران در "سردشت"، "ایلام" و "خوزستان" را محکوم کرده‌اند. حق تعیین سرنوشت خود و خود مختاری کردستان به رهبری شیخ عزالدین حسینی، یکی دیگر از خواسته‌های آنان است. در پایان اضافه شده است که "شوراهای اتحادیه‌های دهقانی" به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارند.

سیل زدگان تبریز:

# دولت و مسئولین امور برخلاف ادعایشان کمکی به ما نکردند

• در سیل تبریز از کمک ارتش و سایر عوامل دولتی خبری نبود

• کارگری در احمدآباد: رفتیم کمیته به ما گفتند پول نداریم. پس اینهمه پول نقد به کجای رود.



دره قربانی در منطقه منبع - عروسک برجاست اما از کودک خبری نیست. به چشم‌های کارگر بنگرید...

"ساری زمی و خبایان ثقه الاسلام و خبایان طالقانی تعداد بسیار زیادی از خانه‌ها را اسیر منهدم کرده و با اطراف خانه‌ها داخل آنها را آب فرا گرفته است.

● بازهم رادیو تلویزیون در گزارشات خود عوام‌فریبی کرد

برخلاف گزارشات رادیو تلویزیون که مثل همیشه با تحریف واقعات به عوام‌فریبی می‌پردازد در واقع سیل تبریز هم خبر از کمکهای ارتش و سایر نیروهای دولتی می‌دهد ولی در حالی که مردم بی‌خانمان در جستجوی عزیزان و زندگی بقیه در صفحه

شدت معترض بودند. نزدیک "سد" واحد آباد در حدود ۱۲ خانه ویران شد و آب تا ارتفاع ۱/۵ متری خانه‌های خشت و گلی این محله را فرا گرفته بود. در این منطقه هم از کمک دولت اثری به چشم نمی‌خورد و مردم محل و سایر مناطق بودند که بادل و جان در کمک به آسیب دیدگان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند.

در حالی "منبع" ویرانی بسیار زیاد و چندین خانه از جا کنده شده بود. که تلفات ناشی از آن چهار یا پنج نفر کودک بود. و اهالی خانه خراب این محله در مدرسه موجود در آنجا سکونت کرده‌اند. در مناطق بهمین آباد و بالاتر از آن و انتهای مارالان، همچنین در شهر آرا

بار دیگر حادثه‌ای طبیعی در گوشه‌ای از همین فاجعه آفرید و مثل همیشه خسارات اصلی آن به کارگران و زحمتکشانی وارد آمد. روز سه شنبه به دنبال بارندگی شدیدی که از حدود ظهر شروع شده بود در ساعاتی از بعد از ظهر به سیلی بنیان کن تبدیل شد که در نواحی مختلف تبریز مثل عینالی، نواحی مرکزی شهر، جنوب شهرداریست فیرستان مارالان و در جاده مرند بالاتر از گشتارگاه بهمین آباد - جاری شد. در منطقه عینالی و اطراف آن حدود ۲۵ خانه کلی ویران شد و تعداد زیادی از خانه‌ها آسیب دید. بنا به گفته اهالی در این منطقه چهار نفر کشته و بیش از ۱۰ نفر زخمی شدند. اهالی این محله نسبت به عدم کمک کمیته‌ها و ارتش به

## آوارگان کرد نکرده

### از لاعلاجی می‌خواهند مهاجرت کنند

زندگی اسف بار مشغول هستند. در این مدت طولانی هیچگونه اقدامی در جهت برگشت آوارگان اعمال نشده، لذا چنانچه ظرف ده روز دولت موقت جمهوری اسلامی در این زمینه اقدام لازم

اخیرا نامه‌ای به امضای گروهی از آوارگان کردنکرده به نخست وزیر فرستاده شده متن آن به شرح زیر است. "نزدیک به دوماه است که بیش از ۱۱ هزار نفر کردنکرده با کمال مشقت سه



معمول ننمایند، ناچار از ترک تابعیت بوده و به یکی از کشورهای همجوار که پناهندگی مآر بپذیرد، عزیمت خواهیم نمود. بی توجیهی هیئت حاکمه نسبت به وضع آوارگان کردنکرده، از همان آغاز آشکار بود. آوارگاه چندین بار طی نامه، تلگرافهایی که به مسئولین فرستادند خواستار رسیدگی به مسئله آوارگان و کمک به بازگشتشان به خانه‌ها و کاشانه خود گشته‌اند. به این درخواستها ترتیب اثری داده نشد و فقط چندین پیش آیت الله ربانی شیرازی که بطور اخص برای رسیدگی به واقعه نکرده مسئله آوارگان به منطقه آمده بود، وارد مهاباد شد و در خانه جوانان، آوارگان را برای بازگشت به خانه و زندگیشان امیدوار ساخت ولی علاوه بر اینکه گامی عملی در این جهت برداشته نشد، مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ایشان هم پس از بازگشتشان در شیراز روشن ساخت که برخورد نامبرده با آوارگان و کسلا با خلق کرد، همان برخورد مفرضانه‌ای است که عناصری مثل ملاحسنی و دیگران داشتند مثل بستن اتهام تجزیه طلبی به خلق کرد و اینکه کردها می‌خواستند نکرده را تصرف کنند و غیره.

اقدام آوارگان به مهاجرت، که مسلماً بدبختی‌های بیشتری برای ایشان به دنبال خواهد آورد، از همه بی توجیهی‌ها و برخوردهای مفرضانه و لاعلاجی آنان ناشی می‌شود.

# کار، مسکن، آزادی